



### وبگاههای تفسیر «المیزان» / المیزان؛ پاسدار مکتب تشیع

علامه طهرانی در خصوص المیزان می‌گوید: این تفسیر به قدری جالب است و به اندازه‌ای زیبا و دلنشین است که می‌توان آن را به عنوان سند عقائد اسلام و شیعه به دنیا معرفی کرد، و به تمام مکتب‌ها و مذهب‌ها فرستاد؛ و بر این اساس آنان را به دین اسلام و مذهب تشیع فرا خواند.

علامه طهرانی در خصوص المیزان می‌گوید: این تفسیر به قدری جالب است و به اندازه‌ای زیبا و دلنشین است که می‌توان آن را به عنوان سند عقائد اسلام و شیعه به دنیا معرفی کرد، و به تمام مکتب‌ها و مذهب‌ها فرستاد؛ و بر این اساس آنان را به دین اسلام و مذهب تشیع فرا خواند.

علامه آیه الله حاج سید محمد حسین حسینی طهرانی رضوان الله علیه که از اقدم تلامذه مرحوم علامه طباطبایی است، در کتاب مهر تابان (یادنامه و مصاحبات تلمیذ و علامه، عالم ربانی علامه سید محمد حسین طباطبایی تبریزی) در خصوص روش تفسیری المیزان می‌گوید:

اما روش تفسیری علامه طباطبائی قدس سره، طبق روش تفسیری استادشان در عرفان و علوم باطنیه الهیه مرحوم آیه الله حاج میرزا علی آقای قاضی بوده است که تفسیر آیات به آیات است؛ یعنی مفاد و محصل آیه قرآن، از خود قرآن استنتاج می‌گردد. مرحوم آیه الله قاضی بدین سبک، تفسیری از ابتدای قرآن تا سوره انعام را نوشته‌اند، و به تلامذه خود این طور کتاب الهی را تعلیم می‌نموده‌اند. مرحوم استادمان حضرت علامه کراراً می‌فرمودند: 171؛ اما این روش تفسیری را از مرحوم قاضی داریم. ایشان، یعنی علامه، در هنگامی که تبریز بودند تفسیری بر قرآن کریم از اول قرآن تا سوره اعراف را نوشتند. البته تفسیری مختصر بود؛ و از روی همان تفسیر و نوشته‌های جمع آوری شده، به طلاب تدریس می‌نمودند؛ ولی بعداً بنا شد تفسیری بطور تفصیل که شامل تمام نیازمندی‌های روز بوده، و جهات تاریخی و فلسفی و اخلاقی و بحث‌های اجتماعی و روائی در آن رعایت گردد؛ به سبک نوینی بنویسند.

خداوند این توفیق را نصیب ایشان نمود، و تفسیری بنام 171؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ در بیست مجلد نوشتند. شروع این تفسیر در حدود سنه 1374 و ختم آن در شب قدر (23 رمضان) از سنه 1392 هجریه قمریه بوده است. و در عین نوشتن، به طلاب حوزه علمیه قم تدریس می‌نمودند و بسیاری از افاضل محصلین و طلاب از محضر درس ایشان بهره‌مند می‌شدند.

مزایای تفسیر 171؛ المیزان؛ بر سایر تفاسیر

علامه طهرانی (ره) مزایای تفسیر المیزان را بر سایر تفاسیر چنین بر می‌شمرد: اولین مزیت که مهمترین مزیت آن است، همان تفسیر آیات به آیات است؛ بدین معنی که قرآن را با خود قرآن تفسیر کند. چون طبق روایاتی که داریم: *إِنَّ الْقُرْآنَ يُقَسِّرُ بَعْضُهُ بَعْضًا*، آیات قرآن همه از یک مبدأ نازل شده، و کلام واحدی است که سبقت و لحوق بعضی از آیات بر بعضی دیگر، دخالت در معنای کلی مستفاد از آیه ندارد. و بنابراین تمام قرآن در حکم یک کلام و یک خطابه ای است که از متکلم واحدی ایراد شده؛ و هر جمله از آن می‌تواند قرینه و مفسر هر یک از جملات دیگر آن بوده باشد. و بنابراین اگر در معانی بعضی از آیات خفائی به نظر برسد، با ملاحظه و تطبیق و تقارن با آیات دیگر که در این موضوع یا مشابه آن وارد است، این خفاء از بین می‌رود.

بنای این تفسیر بر این است که آیات را با خود آیات تفسیر کند، و معنای قرآن را از خود قرآن بدست آورد، و بر آن اساس معانی مستفاده از خارج سنجیده، و موافقت یا مخالفتش با قرآن مشاهده گردد؛ نه آنکه اول معنایی را که در ذهن است، آن را اصل و محور قرار داده و سپس سعی شود که آن معنی را با آیات قرآنی تطبیق دهیم؛ و به عبارت دیگر به قرآن قالب بزنیم و تطبیق دهیم. کما اینکه بسیاری از تفاسیر بر این رویه بوده و در حقیقت تفسیر نیستند، بلکه تطبیق معانی ذهنیه و مدرکات خارجیه، یا علوم فلسفیه و علمیه و اجتماعیه و تاریخیه و روایات وارده با قرآن کریم است. و معلوم است که با روش تطبیق، به کلی آیات مفهوم و محتوا و اعتبار خود را

از دست می‌دهد؛ زیرا هر یک از صاحبان علوم از نحوی گرفته تا فیلسوف، و عالم علوم تجربیه و طبیعیه حتی اطباء و اهل هیئت و نجوم می‌خواهند علوم خود را بر قرآن فرود آورده، و از قرآن سندی و شاهی برای خود دریافت دارند.

و چه بسا بعضی از آنان تفسیرهای تمام بطور دوره، و بعضی تفسیرهای موضوعی در اینگونه امور نوشته اند. این گونه عمل، در حقیقت، قرآن را مسخ می‌کند. و به عبارت دیگر قرآن را می‌کشد؛ و فاقد ارزش و اعتبار می‌کند معنای قرآن را باید از خودش گرفت؛ و در &#171؛المیزان؛&#171؛ این روش به نحو اکمل رعایت شده است.

علامه طهرانی (ره) دیگر از مختصات این تفسیر را مراعات معانی کلیه برای الفاظ موضوعه؛ نه خصوص معانی جزئی طبیعیه و مادیّه مأنوسه با ذهن انسان بر می‌شمرد و می‌افزاید: و دیگر آنکه موارد جزئی و تطبیق را مشخص و از متن مدلول مطابقی آیات جدا می‌کند.

ایشان در ادامه چنین بیان می‌کند: دیگر از مختصات این تفسیر ورود در بحث‌های مختلف، علاوه بر بیان های قرآنیّه است: بحث‌های روایی، اجتماعی، تاریخی، فلسفی، علمی که هر یک جداگانه، بدون آنکه مطالب درهم آمیخته و موضوعات با یکدیگر خلط و مزج شوند، رعایت شده است. و بر همین پایه، بطور مستوفی از مسائل امروز جهان و آراء و افکار و مکتب‌ها و ایده‌ها بحث کافی شده، و با قانون مقدّس اسلام تطبیق، و مواقع جرح و تصویب و ردّ و ایراد و یا نفی و اثبات مشخص گردیده است. و از اشکالات و ایرادهای وارده بر قانون مقدّس اسلام که از ناحیه مکتب‌های شرقی و غربی و الحاد و کفر ناشی شده و به سرزمین‌های اسلامی سرایت کرده است، به نحو اکمل پاسخ داده، و مواضع ضعف و نقاط ابهام و مغلطه را روشن ساخته است.

و بطور کلی قرآن را طبق آیات قرآن: *إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ \* وَمَا هُوَ بِالْهَيْزَلِ* و یا آیه: *وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ \* لَا يَأْتِيهِ الْبَطْلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِّنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ* و نظائر این آیات، میزان و محور حقّ و اصالت و واقعیت قرار داده؛ و بقیه آراء و مذاهب را با آن می‌سنجد، و روشنگر موارد خطا و اشتباه و مغالطه‌های مکتبی و ایده‌های آنان می‌باشد.

المیزان؛ پاسدار مکتب تشیع

علامه طهرانی (ره) دیگر از خصوصیات المیزان را تفسیر پاسداری از مکتب تشیع می‌داند که با بحث‌های دقیق و عمیق و نشان دادن مواضع آیات، این مهم را ایفاء کرده است. ایشان می‌افزاید: [المیزان] با لسانی رسا و بلیغ، بدون آنکه حمیت‌های جاهلی را برانگیزد، و آتش عصبیت را دامن زند؛ از روی نفس آیات قرآن، و تفسیری که قابل ردّ و انکار نباشد؛ و نیز به وسیله روایاتی که از خود عامّه نقل شده، چون تفسیر &#171؛الدّر المنثور&#171؛؛ و غیره در هر موضوعی از موضوعات ولائی مطلب را روشن، و ولایت عامّه و کلیّه حضرت امیر المؤمنین علی بن ابی طالب و ائمه طاهرین صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین را برهانی و مبین می‌نماید.

و نیز نسبت به مفسرین عصری مصری عامّه، بدون آنکه نامی از آنها برده شود مطلب آنها را نقل کرده و به موارد ضعف و تزییف آنها می‌پردازد؛ و مواقع خطا و اشتباه را مبرهن می‌کند.

[همچنین این تفسیر] در مسائل اخلاقی بطور مبسوط و در مسائل عرفانی بطور دقیق و لطیف با اختصار می‌گذرد و با یک جمله کوتاه، یک عالم علم را نشان می‌دهد و به لقاء الله و وطن اصلی، انسان را دعوت می‌کند. در این تفسیر، بین معانی ظاهریّه و باطنیه قرآن، و بین عقل و نقل جمع شده و هر یک حظّ خود را ایفاء می‌کنند.

طلوع &#171؛المیزان&#171؛؛ در حوزه‌های علمی و مجامع علمی سراسر جهان

مؤلف &#171؛مهر تابان&#171؛؛ با مطرح کردن این نکته که: این تفسیر به قدری جالب است و به اندازه‌ای زیبا و دلنشین است که می‌توان [آن را] به عنوان سند عقائد اسلام و شیعه به دنیا معرفی کرد، و به تمام مکتب‌ها و مذاهب فرستاد؛ و بر این اساس آنان را بدین اسلام و مذهب تشیع فرا خواند، خاطر نشان می‌کند: کما آنکه خود بخود این مهم انجام گرفته و &#171؛المیزان&#171؛؛ در دنیا انتشار یافته و در قلب پاریس و آمریکا رسیده، و به کشورهای اسلامی تسخّ زیادتی از آن ارسال شده و مورد بحث و تدقیق قرار گرفته است، و موجب فخر و مباهات شیعه و سرافرازی آنان در مجامع علمی گردیده است.

علامه طهرانی (ره) در خصوص ارزش ادبی المیزان می‌گوید: جالب اینجاست که این تفسیر در عربیت به قدری قوی و استوار است، و در حفظ قواعد ادبیّت و انشاء مسلسل مطالب، رسا و محکم است که حتی تشخیص آن در نزد علماء و محققین عرب که اهل ادبیّات بوده‌اند، مشکل است که بتوانند بفهمند نویسنده آن غیر عرب است، بلکه تا به حال از احدی نقل نشده است که بگوید: در این تفسیر قرائنی هست که نشان می‌دهد مؤلف آن ایرانی و یا زبان مادری وی ترکی آذربایجانی است و یا بطور کلی غیر عرب است.

در زمان حیات مرحوم آیه الله حاج شیخ محمد حسین کاشف الغطاء که استاد ادبیّت و عربیّت و فرید عصر در زمان خود بود، چون از نویسنده یک دوره معروف درباره ولایت که در عصر وی به تحریر آمده بود سؤال شد، در جواب فرموده بود: معلوم است آن را ایرانی نوشته است. و چون از مرحوم شیخ عبد الله سبّیتی: داماد مرحوم سیّد عبد الحسین شرف الدّین عاملی سؤال شد، در جواب گفته بود: معلوم است که آن را غیر عرب نوشته است؛ ولیکن از تفسیر &#171;المیزان&#171;؛ چنین چیزهائی نقل نشده است.

ایشان با ذکر نمونه هایی از پایین آمدن سطح ادبیّت و عربیّت کتب مصنفه توسط علماء در عصر اخیر، خاطر نشان می کنند: از حجّة الإسلام حاج سیّد محمد حسین فضل الله که در غازیّه لبنان ساکن و از مشاهیر ادبیّت عرب هستند نقل شده است که: &#171;المیزان&#171; فی تفسیر القرآن؛ از نقطه نظر ادبیّت و عربیّت، جزء کتاب های معتبر ادبی در نزد جوانان و دانشگاهیان لبنان است....

تفسیر &#171;المیزان&#171;؛ با قلم واحد بر روی کاغذ نوشته می شد و مسوده و چرکنویس نداشت، و حتی تصحیح مطبعه ای آن هم توسط خود حضرت استاد علامه انجام می گرفت- رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ مِلَازَنَةُ عَرْشِهِ-

جامعیّت و متانت تفسیر &#171;المیزان&#171;؛

علامه طهرانی (ره) با ذکر این نکته که این تفسیر در نشان دادن نکات دقیق و حسّاس، و جلوگیری از مغالطه کلمات معاندین، و نیز در جامعیت منحصر به فرد است؛ تاکید می کند: و حقّاً می توان گفت: از صدر اسلام تا کنون چنین تفسیری به رشته تحریر در نیامده است. و استاد ما جامع علوم و وارث زبُر علماء حقّه بوده و مقام جامعیت را در مضمار این فنون و علوم حائز گردیده اند. فَلِلّهِ دَرَّةٌ وَ عَلَيْهِ أَجْرُهُ. فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ\* فَرَوْحٌ وَ رَيْحَانٌ وَ جَنَّاتٌ نَعِيمٌ.

ایشان می افزاید: این ناچیز با آنکه بیش از سی دوره از تفاسیر مهمّ شیعه و سنی را در دسترس و مورد مطالعه دارم، هیچ گاه مانند &#171;المیزان&#171;؛ تفسیری دلنشین تر و لذّت بخش تر و جامع تر ندیده ام. و کأّنه با تفسیر &#171;المیزان&#171;؛ بقیّه تفاسیر کم و بیش منعزل می گردند، و جای خود را به &#171;المیزان&#171;؛ می دهند. و در این حقیقت، این حقیر متفرد نیستم، بلکه بسیاری از علماء اعلام و متفکرین عظام و اهل بحث و تحقیق این مطلب را ارائه کرده اند و یا زمزمه آن را دارند.

توجه به &#171;المیزان&#171;؛ در جهان اسلام

دوست و صدیق راستین و هم دوره طلبگی ما: زعیم عالیقدر حاج سیّد موسی صدر خَلَصَهُ اللهُ مِنَ أَيْدِي الْقَجَرَةِ و أَطَالَ اللهُ بَقَاءَهُ، از عالم وحید و نویسنده معروف و متضلع خبیر لبنان: شیخ جواد مغنیه نقل می کرد که او می گفت: از وقتی که &#171;المیزان&#171;؛ به دست من رسیده است کتابخانه من تعطیل شده، و پیوسته در روی میز مطالعه من &#171;المیزان&#171;؛ است.

علامه طهرانی (ره) از توجه مراکز علمی جهان اسلام به &#171;المیزان&#171;؛ چنین حکایت می کند: جناب صدیق ارجمند حجّة الإسلام و المسلمین آقای حاج سیّد محمد علیّ آیه الله زاده میلانی درباره مرحوم استاد ما: علامه طباطبائی رضوان الله علیه گفتند: رئیس انجمن فرهنگی مصر: شیخ محمد فحّام و معاون او: شیخ شرباصی در مشهد مقدّس نزد پدرم آمدند و از جمله سخنانشان این بود که: ما تفسیر &#171;المیزان&#171;؛ را بهترین تفاسیر یافته ایم و تا جلد هجدهم آن را مطالعه کرده ایم و دو مجلد دیگر آن را نیافته ایم. و خیلی اشتیاق داشتند که از نزدیک، علامه طباطبائی را نیز ببینند، اما علامه طباطبائی در آن وقت در شهر مقدّس مشهد نبودند؛ به خارج رفته بودند و لذا ملاقات حاصل نشد ولیکن مرحوم پدرم جلد نوزدهم و بیستم را تهیّه و برای آنان به مصر فرستادند. این بود حکایت جناب آقای میلانی زاده.

و اما جناب محترم آیه الله آقای حاج شیخ محمد رضا مهدوی دامغانی همین مطلب را قبلاً برای حقیر بدین طریق بیان کرده بودند که: چون بین ایران و مصر روابط دوستانه برقرار شد و بنا شد روابط فرهنگی میان دو کشور برقرار شود، از طرف مصر شیخ محمد فحّام و شرباصی به ایران آمدند و از مجامع فرهنگی بازدید و با علماء ملاقات کردند. من یکی از شاگردان و معتمدان مرحوم آیه الله حاج سیّد هادی میلانی بودم؛ نزد من فرستادند و پیام دادند که: فردا اوّل وقت میل دارم شما را ملاقات کنم. من فردا اوّل وقت بحضورشان رفتم. فرمودند: دو نفر از شخصیت های مصر از طرف انجمن روابط فرهنگی ایران و مصر بناست نزد ما بیایند، شما هم در آن جلسه حضور داشته باشید؛ و از طرفی باید چیزی به آنها هدیه کنیم، شما چه چیز را مصلحت می دانید؟! من عرض کردم: دوره تفسیر &#171;المیزان&#171;؛ هم علمی است و هم کتاب شریف و معتبر، و مناسبت هم با این ملاقات دارد. ایشان فرمودند: به نظر من هم همین رسیده بود؛ و لذا یک دوره تفسیر از &#171;المیزان&#171;؛ تهیّه کردند که در وقت ملاقات به آنها هدیه نمایند. و از طرفی به نزد حضرت علامه طباطبائی هم پیغام دادند که ایشان هم در آن مجلس حضور بهم رسانند؛ ولی بجهت ابراز کسالت، علامه از حضور در مجلس خودداری کردند.

علامه طهرانی (ره) می گوید: این حقیر روزی به حضرت استاد عرض کردم: هنوز این تفسیر شریف در حوزه های علمیّه جای خود را چنانکه باید باز نکرده است؛ و به ارزش واقعی آن پی نبرده‌اند. اگر این تفسیر در حوزه‌ها تدریس شود، و روی محتویات و مطالب آن، بحث و نقد و تجزیه و تحلیل به عمل آید و پیوسته این امر ادامه یابد، پس از دویست سال ارزش این تفسیر معلوم خواهد شد.

در دفعه دیگری عرض کردم: من که به مطالعه این تفسیر مشغول می‌شوم، در بعضی از اوقات که آیات را به هم ربط می‌دهید و زنجیروار آنها را با یکدیگر موازنه، و از راه تطبیق معنی را بیرون می‌کشید؛ جز آنکه بگویم در آن هنگام قلم وحی و الهام الهی آن را بر دست شما جاری ساخته است، تعبیر دیگری ندارم!

ایشان سری تکان داده و می‌فرمودند: این فقط حسن نظر است؛ ما کاری نکرده‌ایم.